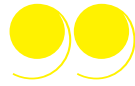


اگزیتانسیالیست‌ها حرف حسابشان این بود که انسان از هیچ و پوچ شروع می‌شود و به هیچ می‌رسد و به یک نوع پوچی و بیهودگی در جهان عقیده داشتند و می‌گفتند بشر باید آزاد باشد تا زندگی خود را شکل دهد یا آن را رها کند. این نوع ادبیات که آن را ادبیات پوچی هم می‌نامند به طرز وسیعی در رمان‌ها و نمایشنامه‌ها ظهور کرد



نویسنده‌ای که خود را

اگزیتانسیالیست نمی‌دانست

او کسی نیست جز آلبر کامو، نامی آشنا در زمینه رمان‌های فلسفی و داستان‌هایی با تحلیل‌های هوشمندانه بسیار، درست است که خود را جزو اگزیتانسیالیست‌ها نمی‌دانست ولی آنها چون پوچی و بیهودگی را مطرح کرده‌اند، کامو را هم جزو خود می‌شمارند. یکی از آثار کامو به نام بیگانه که نشرهای بسیاری هم آن را ترجمه کرده‌اند و همیشه جزو پرفروش‌ترین‌ها بوده، درباره مردی به نام مورسو است و رمان با آغازی اینگونه که: امروز مامان مُرد به دل ماجرامی - رود. مورسو بعد از خاکسپاری محقرانه مادرش، تصادفی کسی را می‌کشد و به زندان می‌افتد و چون دروغ نمی‌گوید در نظر همه عجیب و غریب و در نهایت بیگانه به نظر می‌رسد. او به اعدام محکوم می‌شود و با کنار گذاشتن امید، دیگر خود را رها احساس می‌کند. او در کتاب اسطوره سیزیف که در سال ۱۹۴۲ منتشر شد و می‌توان گفت به گونه‌ای دنباله رمان بیگانه است، می‌خواهد بگوید انسان در تبعیدی غیرقابل چاره و گریز بوده و در پوچی به سر می‌برد. این رمان سرگذشت سیزیف یکی از رجال اساطیری یونان است که مجبور بود سنگی را به بالای کوهی با زحمت فراوان ببرد اما همیشه در یک قدمی قله، سنگ به سمت پایین می‌غلتید و دوباره همه چیز از نو آغاز می‌شد و این سراسر عذاب و رنج است که او به آن دچار شده بود. کامو اسطوره سیزیف را نمایشگر سرنوشت دردناک بشری می‌داند.

سفر به جهان شعر و قصه‌ها همراه با مکتب‌های ادبی

مکتب اگزیتانسیالیسم و اعتقاد به پوچی و بیهودگی جهان

ریحانه میرحسینی
کارشناس ارشد ادبیات

در این قسمت از مکتب‌ها، با اگزیتانسیالیسم و چند نمونه از معروف‌ترین آثار و نویسندگان آن آشنا می‌شوید. این مکتب در قرن بیستم شکل گرفت و به مرور آثار مهمی در ادبیات و فلسفه نوشته شد.



در ادبیات فارسی ماهم خبری از اگزیتانسیالیسم بود؟

بله بود، چرا که نه، در زمانی که بحث عرفان و وجودشناسی در ادبیات کهن کشور ما رونق داشت و کسانی همچون مولانا و سنایی که از بزرگان عرصه عرفان هستند، آثاری خلق می‌کردند، ادبیات کشور ما با این مباحث آمیخته شد. ولی به مرور که جلوتر می‌رویم، در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ تفکر اگزیتانسیالیسم در ایران رونق بیشتری پیدا کرد و معروف شد. کتاب‌های بسیاری ترجمه شد، افرادی در دانشگاه‌ها به این مباحث پرداختند و به تدریس این فلسفه مشغول شدند و اوچ آن در مرحله‌ای بود که شاعرانی همچون شاملو و اخوان در اشعار خود از این فلسفه سخن گفتند. پس زمانی در ایران حسابی بازار این مکتب گرم بود و یکی از نقطه‌های عطف آن، ترجمه آثار سارتر بود که از بزرگان اگزیتانسیالیسم است. به مرور اندیشمندان ایرانی مقاله‌هایی که ترجمه شده بود را مطالعه کردند و خودشان دست به کار شدند و مقاله‌های متعددی در این باره نگارش کردند. برای مثال می‌توان گفت دکتر شریعتی هم در آثار خود از این مکتب بی‌بهره نبوده است. قسمتی از شعر شاملورا می‌خوانید و تا مکتب بعدی خدانگهدار



مارتین هایدگر



ژان پل سارتر



آلبر کامو

اعلم از انتشارات نیلوفر در اختیار مخاطبان قرار دارد تا بیشتر با اندیشه او و اگزیتانسیالیست آشنا شوند.

هایدگر، دیگر اندیشمند معروف این مکتب

مارتین هایدگر یکی از معروف‌ترین فیلسوفان قرن بیستم که در آلمان متولد شد، عقیده‌اش این بود که انسان بدون اینکه بخواهد، به صورت تصادفی به این جهان آورده شده است و تمام اندیشه‌هایش را در کتاب معروفش هستی و زمان آورده و گفته که کار جهان هیچ در هیچ است و بی هدف و اتفاقی به این جهان آمده و اینها باعث اضطراب و پریشانی اوست. اما راه‌هایی از این مشکلات چیست؟ باید مانند دیگران رفتار کند؟ پیشنهاد هایدگر به کسانی که کتاب او را می‌خوانند، این است که شجاعانه با این پوچی روبه‌رو شوند و آن را درک و بپذیرند تا تحمل آن آسان‌تر شود.

یک نوع انتخاب است و مسأله سوم که از همه مهم‌تر و اصلاً خصوصیت این مکتب است، دلهره و اضطرابی است که در تمامی آثار سارتر و نویسندگان اگزیتانسیالیسم می‌توانیم ببینیم. سارتر می‌گفت که انسان تا آخرین لحظه عمر در حال ساختن خودش است و تا زمان مرگ نمی‌توان درباره او قضاوت کرد، او مدام در اضطراب، دلهره و پریشانی خاطر است و تمامی اینها او را می‌سازد و شکل می‌دهد و این اضطراب باعث آفرینش شده و مدام در تلاش است که خودش را از اضطراب مرگ رها کند.

ژان پل سارتر سردسته

اگزیتانسیالیست‌ها

سارتر از نخستین کسانی بود که به این مکتب توجه نشان داد و اولین رمان او به اسم تهوع که در سال ۱۹۳۸ منتشر شد از بهترین آثار است که در مکتب اگزیتانسیالیست نوشته شده است. این رمان با ترجمه امیر جلال‌الدین

تاریخچه این مکتب را بشناسید

زمانی که فرانسه در جنگ جهانی دوم از اسارت آلمانی‌ها خارج شد، سوررئالیسم هم کنار رفت و اگزیتانسیالیسم جای آن را گرفت و مجله‌ای که ژان پل سارتر به عنوان عصر جدید منتشر می‌کرد، یکی از معروف‌ترین مجله‌های روشنفکری غرب شد و بحث‌هایی از این به بعد مطرح می‌شد که یکی از آنها وجود بود و دیگری ماهیت. اینکه مرگ چیست؟ مسأله جبر و اختیار، زندگی اصلاً به چه معنایی است؟ تمامی اینها ریشه‌هایی است که در مکتب اگزیتانسیالیسم چه در آثار کهن و چه در آثار جدید ادبی می‌توانید مشاهده کنید. همچنین سورن کی‌یرکگارد در دهه سی از افرادی بود که اگزیتانسیالیسم از تفکرات او نشأت گرفت. اگزیتانسیالیست‌ها حرف حسابشان این بود که انسان از هیچ و پوچ شروع می‌شود و به هیچ می‌رسد، به یک نوع پوچی و بیهودگی در جهان عقیده. آن‌ها می‌گفتند بشر باید آزاد باشد تا زندگی خود را شکل دهد یا آن را رها کند. این نوع ادبیات که آن را ادبیات پوچی هم می‌نامند به طرز وسیعی در رمان‌ها و نمایشنامه‌ها ظهور کرد و طرفداران بسیاری نیز در سرتاسر جهان آن را دنبال کردند.

حرف حسابشان بر سر چه بود؟

اگزیتانسیالیسم‌ها سه بحث اصلی را مطرح می‌کردند و در آثار خودشان از اینها بهره می‌گرفتند: ابتدا می‌گفتند که وجود بر ماهیت تقدم دارد یعنی وجود است که ماهیت خودش را می‌سازد، دوم اینکه انسان آزاد است و مسئولیت دارد در برابر ساختن ماهیت خود، حتی آزاد بوده که کاری هم نکند و خود این



در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ تفکر اگزیتانسیالیسم در ایران رونق بیشتری پیدا کرد و معروف شد. کتاب‌های بسیاری ترجمه شد، افرادی در دانشگاه‌ها به این مباحث پرداختند و به تدریس این فلسفه مشغول شدند و اوچ آن در مرحله‌ای بود که شاعرانی همچون شاملو و اخوان در اشعار خود از این فلسفه سخن گفتند